

خواب نکرد و بنگه نذر بسیار در میان بنام تو که گفت هم صبر می نماید خواب
 شب با بر و زنا نداشت امر بخورد و در او داشت **تغذیر الغنم و غنمها الله تعالی**
 وی از اهل بصره است و با معاذه عدو به صحبت داشته چندان بکرابت که چشم وی
 ناپسند شد کسی گفت که چه بخت است با اینسای وی گفت بجز ب بودن از خدای تعالی بخت
 و غدی بنا زده مرا ندی تعالی ملامت های وی سخت تر و صعوبت آن بیشتر **تغذیر الغنم**
رحیمه الله تعالی وی از نجف بود در راه ایستاد از خواب داشت و بنام خود
 و غطفی گفت چیزی بخواند زاهدان و عابدان و در باب غلبه در مجلس وی حاضری
 شد ندکات من از بخت هفت الحافنا تا لکلیات البکبات و بیگفتندی تو سیم کز
 بس که می کنی چشم تو ناپسند شود گفت در دنیا کو شدن مراد و خفاستان آن کو شدن
 از عبادت است و می گفته است که چشمی که از لقای محبوب خوب باز ماند و بیدار و روشن
 باشد بی که به بنگه تا بدو بید چندان اند و بر روی غلبه که در نماز و عبادت باز
 ماند و خواب کسی بوی آمد و گفت **نظم** از برای موعنا ما کنت شاحیه
 ان انباجه تشقی الحزین جدی و قوی و صومی الله نایبه
 فانما اذوب من فضل المطرینا بطاعت با کنت و با این آیات تر می کند
 و می کزیت و زنان با وی می کزیت گویند که چون پر شد فضیل می ارض بوی آمد و
 وی طلب دعا کرد و گفت ای فضیلمان تو خدای تعالی هیچ چیزی هست که اگر دعایم
 اجابت شود فضیل شهنشه بر تو بچند بختی **تغذیر الغنم** از بصره است

نعم علی محمد و کسر فاکسون را در
 محراب و در راه دله

نعم شش بجز و سکون عالی و نور

نعم بود وی از جمله زنانی که در دعا
 کوشش داشتند و ترساند و کربان
 دیگر آن بود و در اندیش

در خواب کسی بوی آمد که تمام ده و دو
 طرف دم خون و امر کند و با نیت است
 از وی ایمنی بر او نماند و کزین با او کار
 قایت کرده که در کوی تو گفته بود که
 کوبه با او از خواب خون را شفا میدهد
 بچدی و قوی همی کوشش کن در عبادت
 و با نیت در مقام دو مقام مرد و خوف
 مشورادی و روز د انجام دهد را بر
 و می که در صبح اعمال او سوز و کداز
 باشد که سوز و کداز از کلرهای طبع است

نعم کاف و سکون را در عهد
 و کسر را در عهد و با نیت

بود

بوده و حکمت شعونه می کرده است وی گفته است که شیخی بدش شعونه بود خواب
 شده بای خود برین زد و گفت بر چیزی که جنبه انجاسی خواب نیست جای خواب که بر
 و بر گفتند از بركات صحبت شعونه چه رسیدند آنکه آن روز مان که خدمت وی
 رسید بر نماید و ست نداشتیم و غم و غمی بخورد و می بخورد از اهل دنیا در چشم
 من زک شمع در اجنت طمع و هیچ یک از مسلمانان از خود نشنیده هر چه خدا الله
 تعالی **تغذیر الغنم** **رحیمه الله تعالی** خواهد محمد سیدین بود و زد
 زهد دور ع چون در خود بود و آیات و کلمات بوده است کوشید که وی شی
 در خانه خود چراغ روشن می کند و بر میخواست و نماز می گذارد و وقت بودی
 چراغ و می روی و خانه وی روشن بودی تا صبح **رحیمه الله تعالی**
تابع شامیه رحیمه الله وی زوجه احمد بنک الحواری بود احمد بن ابی الحواری بود
 که احوال وی مختلف بود کاهی روی عشق و محبت غلبه میکرد و کاهی افسردگی
 در حال غلبه محبت میگفت **شعر** جیدلیس بعدله جید
 و ما السواه فی قلبی نصیب جیب غاب عن بصری و شخصی و کزین
 فادی لایعیب و در حال افسردگی و نقدی جنتک فی القوادح
 و ایحت جسمی من ارا دجوسی فاجنسم منی لیلین و اناس و جیب
 فی القوادح لیس و شنیدیم که در حال خوف میگفت **شعر** و زاری و لیل الا
 میانی **اللهم ارحم ارحم طول مساکه** **تغذیر الغنم** و غایه المسک

نعم بود وی از جمله زنانی که در دعا
 کوشش داشتند و ترساند و کربان
 دیگر آن بود و در اندیش
 در خواب کسی بوی آمد که تمام ده و دو
 طرف دم خون و امر کند و با نیت است
 از وی ایمنی بر او نماند و کزین با او کار
 قایت کرده که در کوی تو گفته بود که
 کوبه با او از خواب خون را شفا میدهد
 بچدی و قوی همی کوشش کن در عبادت
 و با نیت در مقام دو مقام مرد و خوف
 مشورادی و روز د انجام دهد را بر
 و می که در صبح اعمال او سوز و کداز
 باشد که سوز و کداز از کلرهای طبع است